

باستان‌شناسی گیلان

از آستارا تا هوسم



تألیف



ولی جهانی





مجموعه انتشارات
ادبی و تاریخی
موقوفات دکتر محمود افشار

[۴۷]

گنجینه جغرافیای تاریخی ایران

مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار



هیأت گزینش کتاب و جایزه

دکتر سید مصطفی محقق داماد - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی - دکتر زاله آموزگار - دکتر جلال خالقی مطلق
دکتر حسن انوری - دکتر فتح الله مجتبابی - دکتر محمود امیدسالار - کاوه بیات
دکتر محمد افشین وفايي (مدیر انتشارات)

درگذشتگان

ایرج افشار - دکتر سید جعفر شهیدی - دکتر جواد شیخ الاسلامی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی



باستان‌شناسی گیلان از آستارا تا هوسم



تألیف : ولی جهانی

گرافیسیت، طراح و مجری جلد : کاوه حسن بیگلر

حروفچینی و صفحه‌آرایی : بیوک رضایی

لینوگرافی : کوثر

چاپ متن : آزاده

صحافی : حقیقت

تیراژ : ۱۱۰۰ نسخه

چاپ اول : تابستان ۱۳۹۸

ناشر :

انتشارات دکتر محمود افشار

خیابان ولی‌عصر، بالاتر از چهارراه پارک‌وی، خیابان عارف‌نسب

تلفن: ۲۲۷۱۳۹۳۴ - ۲۲۷۱۳۹۳۶ دورنما:

با همکاری انتشارات سخن

خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، خیابان وحید نظری، پلاک ۴۸

تلفن: ۵-۴۶۹۵۳۸۰۴ - ۶۶۴۰۵۰۶۲ دورنما:

تلفن تماس برای تحویل کتاب در تهران و شهرستان‌ها

۵-۴۶۹۵۳۸۰۴



شورای تولیت

متولیان مقامی

رئیس مجلس - رئیس دیوان عالی کشور - وزیر فرهنگ (وزیر آموزش و پرورش)
وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی) - رئیس دانشگاه تهران (یا معاونان اول هر یک از این پنج مقام) (طبق ماده ۲ و قننامه)

متولیان منصوب و منسوب

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس شورا) - دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی (جانشین: دکتر محمد اسلامی - بازرس)
سید محمود دعایی - دکتر علی محمد میر (جانشین: دکتر احمد میر)
ساسان دکتر افشار - آرش افشار (بازرس)

موسسه فرهنگی هنری دکتر محمود افشار

دکتر سید مصطفی محقق داماد (رئیس هیات مدیره) - دکتر محمد افشین وفاپایی (مدیر عامل) - آرش افشار (بازرس)



درگذشتگان

دکتر مهدی آذر - حبیب الله آموزگار - دکتر جمشید آموزگار - کریم اصفهانیان
ایرج افشار، سرپرست عالی و بازرس (منصوب واقف، از ۱۳۶۳-۱۳۸۹) - مهر بانو دکتر افشار
مهندس نادر افشار - بهروز افشار یزدی - دکتر سید جعفر شهیدی، رئیس هیأت مدیره (از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۳)
دکتر جواد شیخ الاسلامی - اللهیار صالح - دکتر منوچهر مرتضوی - دکتر اصغر مهدوی - دکتر یحیی مهدوی - دکتر محمدعلی هدایتی

یادداشت واقف

اول

طبق ماده ۲۳ وقفنامه اول مورخ یازدهم دی ماه ۱۳۳۷ ه. ش. درآمد باید صرف ترجمه و تألیف و چاپ کتب و رسالات که با هدف این موقوفات موافق باشد و همچنین کمک به مجله آینده در صورت احتیاج و احتمالاً دادن جوایز به نویسندگان به شرح دستور این وقفنامه گردد.

دوم

هدف اساسی این بنیاد ملی طبق ماده ۲۵ وقفنامه تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می باشد. بنابر این کتبی که با بودجه این موقوفات منتشر می شود باید مربوط به لغت و دستور و ادبیات فارسی و جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران باشد. کتب کلاسیکی مدارس عمومی نباید با درآمد این موقوفات چاپ شود.

سوم

طبق ماده ۲۶ مقداری از کتب و رسالات چاپ شده با بودجه این موقوفات باید به طور هدیه و به نام این موقوفات به مؤسسات فرهنگی، کتابخانه ها و قرائتخانه های عمومی ایران و خارج و بعضی از دانشمندان ایران و مستشرقین خارجی فرستاده شود.

چهارم

چون نظر بازرگانی در انتشارات این موقوفات نیست و تا حدی تحمل زیان هم جایز است طبق ماده ۲۷ وقفنامه هیچ کتاب و رساله نباید کمتر از قیمت تمام شده و همچنین مبلغی زائد از بهای تمام شده با افزایش صدی ده تا بیست و پنج قیمت گذاری شود... این افزایش ۲۵ درصد به واسطه حداقل حق الزحمه فروشنندگان و هزینه ای است که برای پست و غیره تحمیل می شود. از کتابفروشان تقاضا داریم که در این امر خیر ملی که ابداً جنبه تجارتي ندارد با ما یاری و تشریک مساعی بنمایند.

پنجم

بر اساس موافقت‌نامهٔ دوم (مورخ ۱۳۵۲/۴/۱۲) که میان واقف و دانشگاه طهران به امضاء رسیده، قسمت‌های مهمی از رقبات، مانند جایگاه سازمان لغت‌نامهٔ دهخدا و محل مؤسسهٔ باستان‌شناسی به‌طور رایگان به دانشگاه طهران واگذار شده و رقبات دیگری هم با درآمد آنها طبق مادهٔ دوم برای اجرای مفاد وقف‌نامه که از جمله عبارت از دادن جوایز ادبی و نشر کتب تاریخی و لغوی راجع به ایران (به استثنای کتب درسی) می‌باشد در اختیار دانشگاه طهران قرار می‌گیرد که وصول نموده و به نام این موقوفات اعطا و نشر گردد.

ششم

چون طبق مادهٔ ۳ موافقت‌نامهٔ نامبرده مقرر شده است که از طرف ریاست دانشگاه یک نفر از متولیان این موقوفات که از طرف واقف به عضویت کمیتهٔ انتشارات بنیاد معین شده باشد برای سرپرستی ادارهٔ امور جوایز و نشر کتاب انتخاب شود ریاست دانشگاه آقای ایرج افشار را که از متولیان شورای تولید است و از طرف واقف نیز به عضویت کمیتهٔ نامبرده معین شده به سمت سرپرست انتخاب و برقرار نمودند.

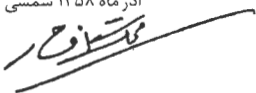
هفتم

چون نگارندهٔ این سطور به واسطهٔ کبر سن (۸۶ سال شمسی) از این پس نخواهم توانست به سرپرستی این کارها بپردازم، از این پس تمام اختیارات خود را در انتخاب تألیف و ترجمه و خرید کتب و غیره به فرزند ارشد خود ایرج افشار واگذار کردم. در این چند سال اخیر هم که ده جلد از تألیفات خودم از طرف موقوفات به طبع رسیده با کوشش و سرپرستی وی بوده است. کسانی که مایل به همکاری در تألیف یا ترجمه و نشر کتاب هستند می‌توانند به او مراجعه کنند. تنها شرط کار موافق بودن تألیف و ترجمه با هدف‌های این بنیاد، یعنی ترقی ملت و کشور و تعمیم زبان فارسی و تکمیل وحدت ملی در ایران که وطن مشترک و زبان رسمی و ملی همهٔ ایرانیان است می‌باشد.

هشتم

این یادداشت کلی برای چاپ در آغاز هر یک از نشریات این بنیاد نوشته شده است.

دکتر محمود افشاریزدی
آذر ماه ۱۳۵۸ شمسی



تکمله سوم

کتبی که با بودجه این موقوفات طبع و توزیع می شود باید کاملاً منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد. اگر همه تألیفات و مجموعه هایی که به قلم واقف منتشر شده و یا می شود صد درصد این مطابقت را ندارد به سبب این است که واقف قصد چاپ آنها را با مال خود داشت، ولی زمانی که دارایی خود را وقف عام مخصوصاً برای انتشارات کتب تاریخی و ادبی نمود چاپ کتب خود را هم که دارای همین جنبه هاست به عهده بنیاد واگذار کرد.

اما این مجوز آن نیست که تألیفات دیگر را هم از هر نوع که باشد و برسد چاپ نماید. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان با بودجه آن چاپ خواهد شد که هدف غایی واقف را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی ایران است در برداشته، کتبی که بویی از ناحیه گرای و جدایی طلبی و حکایت از رواج زبان های خارجی به قصد تضعیف زبان دری و دیگر چیزهای تفرقه آمیز و روش ها و سیاست های فتنه انگیز داشته باشد نباید با بودجه این موقوفات طبع و توزیع شود.

نکته دیگر آنکه چون شاید برای چاپ کتب و فرهنگ نامه فارسی که دایره مانند یعنی انسیکلوپدی باشد و تاریخ کامل ایران که اوراق زیاد و هزینه بیشتر دارد، درآمد ماهیانه بنیاد کفاف خرج آنها را ندهد می توان با اندوخته بانکی این موقوفات چاپ نمود، به شرط آن که اجازه واقف در زمان حیات و موافقت شورای تولیت بعد از ممات یا هرکس و دستگاهی که قانوناً قائم مقام آنهاست باشد.

در تکمله دوم یادداشت واقف، منتشره در جلد سوم افغان نامه نگاشتم که کتب و رسالاتی که با بودجه این موقوفات چاپ می شود باید منزه باشد از تحریکات سیاسی، مخصوصاً آلوده نباشد به اغراض سیاسی خارجی در لفافه پژوهش تاریخی و ادبی ایران شناسی... و در پایان آن تکمله افزودم بیم داشتیم که مبدا چنین رسالاتی سال ها بعد از ما نخواسته و ندانسته، به وسیله این بنیاد چاپ شود. پس لازم بود که در این یادداشت تذکری داده شود... عمده مخاطب این یادآوری ها بنیاد موقوفات خود ماست نه مؤسسات انتشاراتی دیگر که هر یک روش خاص خود را دارد و ما دخالتی در کار آنها نداریم.

تا زمانی که نویسنده این سطور متولی هستم و فرزند دانشمند من، ایرج افشار که به رموز نویسندگی کاملاً آگاه می باشد سرپرست انتشارات این بنیاد است، موجبی برای نگرانی نخواهد بود و بعد از ما هم امید است که این روش ادامه یابد. ان شاء الله

تکمله و تبصره



یادداشت واقف چند روز پیش از درگذشت (۲۸ آذر ۱۳۶۲) برای اطلاع نویسندگان. کتب نظم و نثری از گذشتگان یا آیندگان که با سرمایه و درآمد این بنیاد چاپ و توزیع می‌شود باید منطبق با نیت واقف و هدف وقفنامه باشد و مروج زبان دری در قلمرو این زبان و تحکیم وحدت ملی و تمامیت کشور ایران باشد و بویی از ناحیه‌گرایی و جدایی‌طلبی ندهد، و حمایت و ترویج از لهجه‌های محلی و زبان‌های خارجی به قصد تضعیف زبان فارسی دری نکنند. خلاصه آنکه این کتاب‌ها و رسالات باید منزه باشد از روش‌های تفرقه‌آمیز و سیاست‌های فتنه‌انگیز، چه به‌طور مرموز و چه علنی مخصوصاً نباید آلوده باشد به اغراض سیاسی خارجی در لافافه پژوهش تاریخی، نژادی یا ادبی و فرهنگی و ایران‌شناسی.

کتب تاریخی و ادبی عالمانه خارجی که از عربی و ترکی و فرنگی و روسی به فارسی ترجمه می‌شود اگر دارای هر دو جنبه از سود و زیان باشد باید قسمت سودمند آنها ترجمه شود. قسمت زیان بخش اگر ترجمه شود باید به قصد مبارزه و مقابله عالمانه با آن باشد نه جاهلانه، زیرا گفته منطقی ممکن است مؤثر باشد، نه شانتاژ و هوچی‌گری. این بنیاد در انتشارات خود باید در هر حال از دروغ و ناسزا پرهیز کند. به گفته نظامی گنجوی:

چوتتوان راستی را درج کردن دروغی را نباید خرج کردن

برای چاپ و انتشار کتب و رسالات نه تنها هزینه و حق الزحمه نمی‌خواهیم، بلکه به سبب اهمیت فوق‌العاده سودمند بودن کتاب، جایزه نیز می‌پردازیم. این بنیاد در چاپ و انتشار کتاب‌های خود به‌طور مسلم ضرر مادی دارد، زیرا کمتر از ارزش تمام شدن از کاغذ و چاپ و غیره از راه فروش درآمد دارد. شاید بعضی تصور کنند که کار ما شبیه به معامله مرحوم ملا نصرالدین باشد که تخم مرغ می‌خرید دانه‌ای دو شاهی، می‌پخت و رنگ می‌کرد و می‌فروخت یک شاهی! عقیده ما بر این است که اگر در این سود، ضرر مادی و مالی می‌کنیم سود معنوی که منظور ماست می‌بریم، و آن اینکه عقیده خود را که ترویج زبان دری و تحکیم وحدت ملی و تمامیت ارضی ایران است رواج می‌دهیم. این زبان را به حساب مصارف وقف در راه ایده‌آل و هدف ملی خود محسوب می‌داریم.

برای اطلاعات و توضیحات بیشتر لطفاً به تکمله منتشرشده در ابتدای کتاب‌های این بنیاد که اضافات و تفاوت‌هایی با هم دارد توجه فرمایید.



فهرست مطالب

پانزده	یادداشت دکتر منوچهر ستوده
۱	سرآغاز
۹	جغرافیای طبیعی گیلان
۴۲	معماری گیلان از دیدگاه باستان‌شناسی
۸۸	باستان‌شناسی آستارا
۱۱۶	باستان‌شناسی آستانه اشرفیه
۱۲۱	باستان‌شناسی املش
۱۸۶	باستان‌شناسی شهرستان انزلی
۱۹۳	باستان‌شناسی تالش
۲۲۴	باستان‌شناسی رشت
۲۴۶	باستان‌شناسی رضوان شهر
۲۸۱	باستان‌شناسی رودبار
۳۴۳	باستان‌شناسی رودسر
۳۹۸	باستان‌شناسی سیاهکل
۴۷۷	باستان‌شناسی شفت
۵۰۱	باستان‌شناسی صومعه‌سرا
۵۳۸	باستان‌شناسی شهرستان فومن
۵۸۲	باستان‌شناسی لاهیجان
۶۱۹	باستان‌شناسی لنگرود

۶۲۹	باستان‌شناسی ماسال
۶۵۶	نتیجه‌گیری
۶۸۲	واژه‌نامه
۷۰۵	تصاویر
۸۳۵	فهرستها
۸۳۷	فهرست منابع
۸۵۵	فهرست نام کسان
۸۶۱	فهرست جایها
۸۸۶	فهرست کتابها
۸۸۷	فهرست موضوعی

یادداشت

ولی جهانی، مؤلف این کتاب، رنج خود و راحت یاران طلبیده است تا به سایه خورشیدسواران رسیده است. نقاطی را که ایشان یک‌به‌یک دیده‌اند پرده از رخسار بناها و آثار تاریخی کشیده است.

زمینی نماند اندر این پهن‌دشت

که خنگ فرامرز در وی نگشت

از میان این آثار: قلعه‌ها، معابد، مساجد، امامزاده‌ها، آتشکده‌ها، راهها، جاده‌ها، پلها، غارها، کاخها، برجها، گورستانها و انواع قبور ایشان از آنچه در طبع و طبیعت بوده یا دست آدمی در آن دخل و تصرف کرده است پرده برداشته و هریک را با وسایل تازه سنجیده و شرح داده است.

مخلص، هم سالها پیش از این چنین کرده است و چند مجلد کتاب از *آستارا تا استارباد* را به وجود آورده است.

از خداوند متعال خواستاریم نظیر این جوانان را بیشتر کند، «اللهم کثر امثالهم» تا این‌گونه فرهنگ کهن فارسی پایدار و استوار بماند.

منوچهر ستوده

۱۳۹۳



سرآغاز

سپاس فراوان ایزد منان را که توفیق فرمود تا گام کوچکی برای شناساندن میراث گران‌بهای فرهنگی سرزمین پهناور عزیزمان برداریم. کهن‌دیوار گیلان با تاریخی پرافتخار اینجا گسترده شده است. میان نیلگون دریای کاسپین و کوه‌های پرغرور البرز سرزمینی قرار دارد که مردمان آن به شجاعت و سرسختی و مهمان‌نوازی پرآوازه گشته‌اند. آنچه از نوشته‌های تاریخ‌نگاران معتبر و کاوش‌های باستان‌شناسی حاصل شده، تنها گوشه‌ای کوچک از عظمت تمدن‌های گذشته و شکل‌گرفته در این سرزمین و شکوه عزم و اراده بومیان در پایداری و نگهداری مرزهای این منطقه در چند هزار سال قبل بوده است.

در این جستار با نگاهی موشکافانه اما مختصر زندگی و هنر ساکنان این سرزمین را از دیدگاه باستان‌شناسی بررسی می‌کنیم. تا همین اواخر گمان می‌رفت به دلیل اقلیم خاص گیلان و وجود عوامل فرسایش، آثار تاریخی مربوط به انسان‌های نخستین در این منطقه وجود ندارد. اگر این فرضیه را درست بدانیم، در نقاط کوهستانی برای ردّ این نظر استثناهایی یافت می‌شود.

از زمانی که ویلیام لوفتوس انگلیسی در سال ۱۸۴۹ میلادی، در تپه آپادانای شوش، کلنگ بر زمین زد، بیش از یک سده و نیم می‌گذرد. این تاریخ را سرآغاز فعالیت‌های میدانی باستان‌شناسی در ایران دانسته‌اند. از آن زمان تا به امروز

علی‌رغم همهٔ فعالیت‌هایی که هیئت‌های باستان‌شناسی ایرانی و خارجی انجام داده‌اند، متأسفانه باستان‌شناسی ایران بر اساس طرح جامع پژوهشی و برای تکمیل و پر کردن نقطه‌چین‌های فرضی و روشن‌ساختن خلأها و ابهامات موجود تاریخی نبوده، بلکه فقط موردی و با اهداف ناپیوسته به‌هم، اجرا شده است. هنوز از مرحلهٔ «تکننگاری»^۱ قدمی به جلو برنداشته‌ایم. کشور ما هنوز نقشهٔ باستان‌شناسی کامل و جامعی ندارد و بالأخره با همهٔ کاوش‌ها و بررسی‌های انجام‌شده، هنوز برای گاه‌نگاری^۲ پیش از تاریخ ایران، پیشنهاد قابل پذیرش همگان که بر مبنای یافته‌های سراسر کشور تنظیم شده باشد، در دست نیست.

به‌دلیل غنای فرهنگی و تاریخی و پراکندگی آثار باستانی گیلان که بیشتر در مناطق بیلاقی و کوهستانی قرار دارد، و با وجود همهٔ فعالیت‌ها و بررسی‌های انجام‌شده، هنوز بسیاری از نقاط و زوایای آن ناشناخته مانده است. آثار متعدد باستانی در کمرکش کوه‌های سربه‌فلک‌کشیده و در شیب دره‌ها و سطوح ناهموار که بیشترشان در دیم‌زارها و مزارع روستایی هستند، محافظ و حریمی ندارند. اکثر این آثار که محوطه‌ها و گورستان‌های باستانی هستند، به ظاهر شکل و چهرهٔ یک اثر را ندارند اما این گورستان‌ها که در گذشته از راه کاوش‌های غیرمجاز و پنهانی تخریب و غارت شده‌اند، هنوز هزاران نکته و راز ناگفته با خود دارند و شواهدی گویا از زندگی ساکنان این سرزمین در ادوار باستانی‌اند.

بررسی، شناسایی و محافظت کامل از آثار باقی‌ماندهٔ ادوار باستانی گیلان با توجه به ابهامات و نکات تاریخی که در باستان‌شناسی گیلان موجود است،

1. Monography

2. Chronology

ضرورت تام دارد. بسیاری از مسائل مربوط به فرهنگ‌های باستانی منطقه، منشاء و خاستگاه آنها، چرایی فقدان آثار پیش از هزارهٔ دوم در گیلان و علل به دست نیامدن آثار معماری ادوار باستانی و بالأخره اینکه آیا گیلان در دورهٔ پیش از تاریخ در قلمرو یک فرهنگ واحد بوده یا خرده‌فرهنگ‌ها و وجوه اشتراک و افتراق آنها، همه و همه به کمک یافته‌ها و داده‌های باستان‌شناسی حل‌شدنی‌اند و شواهد آنها را باید در دل گورستانها، محوطه‌ها و تپه‌ها جستجو کرد. در نقشهٔ توپوگرافی سمت شمالی کوه‌های البرز و تالش آشکار است که این رشته‌کوه‌ها اساساً متشکل از دره‌های موازی با روند شمالی-جنوبی است که بیشتر آنها شیب بسیار تندی دارند. این شیب‌های تند علاوه بر دشوارتر نمودن بررسی میدانی، باعث تخریب شدید آثار و بقایای زیرسطحی و سطحی می‌شوند. این مسئله را باید همراه با بارش‌های سنگین این منطقه در نظر گرفت. باران‌های سیل‌آسا در شیب‌های تند باعث شسته شدن سطح زمین و جابه‌جایی بقایای سطحی در گستره‌ای وسیع می‌شوند. بنابراین، این عامل، ضمن محو نمودن یافته‌های سطحی و گاه زیرسطحی (نظیر گورهایی که در شیب‌ها قرار دارند) باعث گمراهی باستان‌شناس نیز می‌شوند؛ زیرا مواد سطحی در برخی جاها ممکن است به ارتفاعات بالادست مربوط باشند نه همان نقطهٔ خاص. یکی دیگر از دشواری‌های موجود هنگام بررسی از محیط‌های جنگلی کم بودن یافته‌های سطحی و در بسیاری موارد فرسوده بودن آنها بر اثر عوامل جوی است. زیرا تعداد کم یافته‌ها و فرسوده بودن آنها می‌تواند در تاریخ‌گذاری محوطه‌ها - که اساساً به یافته‌های سطحی آنها وابسته است - تأثیر منفی داشته باشد. بدیهی است هر چه مجموعهٔ

یافته‌های سطحی یک محوطه بیشتر باشد، تاریخ‌گذاری آن به واقعیت نزدیکتر است. بنابراین عوامل چندی در تخریب آثار تاریخی گیلان مؤثر بوده‌اند: شرایط اقلیمی، رطوبت بسیار زیاد و رویش گیاهان، عامل اصلی در تخریب آثار تاریخی گیلان به‌ویژه بناها بوده است. درخت‌ها و درختچه‌های سبز شده بر سقف، دیوارها و ... موجب می‌شود بنا به مرور زمان خراب شود.

عوامل طبیعی مانند رودخانه‌های سیلابی عامل دیگر تخریب آثار تاریخی این مرز بوم است. برای نمونه طغیان رودخانه‌های دیناچال و شفارود در منطقه رضوانشهر موجب شده است بخشی از بنای تاریخی «اسپی مزگت» و تپه باستانی «ماف محله» آسیب ببینند. به نظر می‌رسد در مسیر این رودخانه‌ها آثار فرهنگی و تاریخی زیادی وجود دارند که هر ساله با طغیان رودخانه‌ها از بین می‌روند.

یکی دیگر از عوامل تخریب آثار باستانی، تخریب‌هایی است که حفاران غیرمجاز برای به دست آوردن اشیاء عتیقه در محوطه‌های باستانی، و بناهای تاریخی ایجاد کرده‌اند. این تخریب‌ها موجب گردیده بخش عمده‌ای از آثار این مناطق صدمه و آسیب‌های فراوانی ببینند. از مهمترین و فاجعه‌ترین تخریب‌هایی که بر روی آثار باستانی گیلان در گذشته اتفاق افتاده می‌توان تسطیح سطح بخشی از شهر تاریخی «گسکر» و محدوده منطقه «اسپی مزگت» در صومعه‌سرا و رضوانشهر را با ماشین‌آلات مکانیکی توسط شرکت چوب و کاغذ ایران (چوکا) مستقر در منطقه نام برد.

گیلان یکی از مناطق بسیار غنی از دیدگاه باستان‌شناسی است و همچون استان‌های همجوار خود آثار ارزشمندی را در خود جای داده است. در این کتاب سعی شده در حد امکان به مسائل باستان‌شناسی گیلان بر اساس آخرین

دستاوردهای پژوهشی و یافته‌های علمی و آثار تاریخی بسیار مهم که تا سال ۱۳۹۳ بررسی شده‌اند پرداخته شود.

امید است این کتاب که تعدادی از آثار شاخص ۱۶ شهرستان استان را دربر می‌گیرد، یاری‌رسان باستان‌شناسان و پژوهشگرانی باشد که در آینده پای در این منطقه خواهند گذاشت و در مورد آثار یاد شده در این کتاب مطالعه خواهند کرد. پژوهش حاضر، در ۶ فصل تهیه و تنظیم شده است:

فصل اول، دربارهٔ جغرافیای طبیعی، تاریخی و باستانی استان گیلان است. در فصل دوم، به سابقهٔ کاوش‌های باستان‌شناسی قبل و بعد از انقلاب اسلامی و دشواری‌های علم باستان‌شناسی و حفاری غیرقانونی پرداخته شده است. در فصل سوم از نقش عوامل جغرافیایی در شکل‌گیری استقرارها بحث شده است.

در فصل چهارم از پیشینهٔ معماری گیلان از دیدگاه باستان‌شناسی، تزئینات معماری بناهای تاریخی گیلان و آسیب‌شناسی معماری گیلان سخن رفته است. فصل پنجم، دربارهٔ باستان‌شناسی شانزده شهرستان استان گیلان است. در فصل ششم، نتیجه‌گیری به همراه تصاویر و نقشه‌ها آمده است.

سپاسگزاری

کتاب حاضر نتیجهٔ پژوهشی است که علی‌رغم مشکلات متعدد، مستندسازی و آثار تاریخی گیلان طی مدت ۱۰ سال به انجام رسید. امیدوارم این تحقیق، گام کوچکی در معرفی آثار فرهنگی این مرز بوم باشد.

شایسته است از همکاری صمیمانهٔ سروران و استادان گرانقدر تقدیر و تشکر

ویژه به عمل آورم. رؤسای وقت پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، زنده‌یاد دکتر مسعود آذرنوش، دکتر محمد مرتضایی، دکتر حسن فاضلی نشلی، دکتر سید محمود میراسکندری، دکتر عباس مقدم، دکتر سیامک سرلک، از مدیران کل اسبق اداره کل میراث فرهنگی گیلان، آقایان رزازی، نقوی، مهدی‌پور، عزیزی، علیزاده و جناب آقای دکتر امیر انتخابی (مدیر کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان گیلان)، قدردانی و تشکر می‌شود.

همچنین از جناب آقای علی امیری پژوهشگر گیلان‌شناس که این کتاب با همت و درایت ایشان چاپ شده است؛ تشکر ویژه دارم. از جناب آقای محمدرضا میری (مدیرعامل مؤسسه پیشین پژوه) که مشوق اینجانب در چاپ این کتاب بودند سپاسگزاری می‌کنم. از مدیر محترم بنیاد موقوفات افشار جناب آقای دکتر محقق داماد و هیئت محترم گزینش کتاب برای همه تلاش‌هایی که در چاپ و نشر این کتاب کشیدند تشکر می‌کنم.

به علاوه لازم است سپاس ویژه‌ام را به سایر اعضای محترم هیئت‌های باستان‌شناسی، جناب آقای شهرام رامین (باستان‌شناس و رئیس پایگاه منظر فرهنگی قلعه رودخان)، جناب آقای دکتر بیگلری (پژوهشگر و رئیس بخش پارینه‌سنگی موزه ملی ایران باستان)، زنده‌یاد بهروز هم‌رنگ (باستان‌شناس و سرپرست پایگاه آق‌اولر و مریان تالش)، از رؤسای محترم اداره‌های میراث فرهنگی شهرستان‌های رودسر، لنگرود، املش، لاهیجان، سیا‌هکل، ماسال، فومن، آستارا، به ترتیب آقایان عابدی، ابراهیمی، قنبری، پورحسن، اصلانی، الخاص‌پور، حسینی‌نسب تشکر و قدردانی نمایم. از باستان‌شناسان جوان که در طول مدت با

اینجانب همکاری کردند، صادق عاقلی، مسعود اکبری، نواب هاشمی، کیومرث حاج محمدی، سپهر زارع، رضا غفاری، بهزادعلی تالش، مجتبیٰ چرمچیان و دکتر رقیه مجتبابی، دکتر سولماز رئوف، خدیجه ارجمندی، نسرین قوامی، ابوذر جانعلی پور (معمار)، آرش آفتابی حسین (مهندس عمران)، آزاده پورعلیزاده حقی (طراح اشیاء)، جواد نصیری راد (نقشه بردار) و پرسنل زحمت کش یگان حفاظت شهرستان‌های سیاهکل و رودسر، صمد سهیلی، محمدعلی عابدی گوابری، جواد غریب‌نواز، سپاسگزارم. همچنین از علیرضا جهانی فرزندم که در اکثر مأموریت‌های پژوهشی یار و یاورم بوده‌اند تقدیر و تشکر فراوان دارم. از همسر ام‌کلثوم لطیفی و دخترم الهه (فاطمه‌نساء) نیز سپاسگزارم.